

## Study of Factors Causing Divorce According to Women Referring to Forensic Centers of Hormozgan Province Comparing to A Control Group from March 2015 till March 2016

Mehdi Forouzes<sup>1</sup>, Seyed Javad Mirhadi<sup>2</sup>, Saeed Mohammadi<sup>3\*</sup>, Hosein Javadi Vasigh<sup>4</sup>,  
Khatere Asadi<sup>4</sup>, Gholamali Khojandi<sup>4</sup>, Maryam Ghaharpoorgatabi<sup>5</sup>

1. Assistant Professor, Forensic Medicine Specialist, Legal Medicine Research Center, Legal Medicine Organization, Tehran, Iran
2. MD, Legal Medicine Research Center, Legal Medicine Center of Hormozgan Province, Bandar Abbas, Iran
3. Forensic Medicine Specialist, Legal Medicine Center of Hormozgan Province, Bandar Abbas, Iran
4. MD, Legal Medicine Center of Hormozgan Province, Bandar Abbas, Iran
5. Master's Degree in Women's Studies (Women and Family Orientation), Forensic Center of Hormozgan Province, Bandar Abbas, Iran

### Article Info

Received: 09 May 2017

Accepted: 27 Aug 2017

Published Online 03 Mar 2018

### DOI:

10.30699/epub.sjfm.23.4.271

Original Article

Use your device to scan  
and read the article online



### Abstract

**Background:** Despite the improvement in life methods and standards, divorce is a pathetic fact in almost all of the developed and developing countries. Given the different aspects of the reasons for divorce and its bad effects, knowing the main reasons of it according to the spouses is necessary. This study aims to survey the reasons according to women who referred to forensic centers of Hormozgan province.

**Materials and Methods:** This is a case-control study on 1442 women asking for divorce who referred to forensic centers of Hormozgan province to do a pregnancy test from March 2015 till March 2016. To identify the main reasons of divorce a control group including 1442 married women who had never got divorced were chosen. The information was collected through face to face interviews and was used to fill the questionnaires for final statistical analysis.

**Findings:** The main reasons for divorce according to these women were: age ( $P=0.001$ ), duration of marriage ( $P < 0.001$ ), number of children ( $P < 0.001$ ), the husband's job ( $P = 0.047$ ), visiting family councils ( $P < 0.001$ ), physical violation ( $P < 0.001$ ), drug and alcohol abuse by the husband ( $P < 0.001$ ) and the way they chose their spouse ( $P < 0.001$ ).

**Conclusion:** Youth and mental immaturity, dislike in pregnancy, financial problems due to the husband's unemployment, dysfunctional family council sessions, physical violation in the family, drug and alcohol abuse and the family's unjustified intervention in the process of choosing the spouse are the reasons leading the couples towards divorce.

**Conclusion:** Divorce, Women, Forensic Centers of Hormozgan

### Corresponding Information

Saeed Mohammadi, Forensic Medicine Specialist, Legal Medicine Center of Hormozgan Province, Bandar Abbas, Iran. Email: drsm1980@gmail.com, Tel: 076-33313009

Copyright © 2018, Ir J Forensic Med. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-noncommercial 4.0 International License which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

### How to Cite This Article:

Forouzes M, Mirhadi J, Mohammadi S, Javadi Vasigh H, Asadi K, Khojandi G et al . Study of Factors Causing Divorce According to Women Referring to Forensic Centers of Hormozgan Province Comparing to A Control Group from March 2015 till March 2016. Ir J Forensic Med. 2018; 23 (4): 271 - 281

## بررسی عوامل منجر به طلاق از دیدگاه زنان مراجعه کننده به مراکز پزشکی قانونی استان هرمزگان در مقایسه با گروه کنترل از فروردین ماه ۱۳۹۴ تا فروردین ۱۳۹۵

مهدي فروزش<sup>۱</sup>، سيد جواد ميرهادي<sup>۲</sup>، سعيد محمدي<sup>۳\*</sup>، حسين جوادى وثيق<sup>۴</sup>، خاطره اسدي<sup>۴</sup>،

غلامعلي خجندی<sup>۴</sup>، مریم قهارپور گتایی<sup>۵</sup>

۱. استادیار، متخصص پزشکی قانونی، مرکز تحقیقات پزشکی قانونی، سازمان پزشکی قانونی کشور، تهران، ایران
۲. دکترای حرفه‌ای، کارشناس پزشکی قانونی استان هرمزگان و عضو مرکز تحقیقات پزشکی قانونی، بندرعباس، ایران
۳. متخصص پزشکی قانونی، کارشناس پزشکی قانونی استان هرمزگان، بندرعباس، ایران
۴. دکترای حرفه‌ای، کارشناس پزشکی قانونی استان هرمزگان، بندرعباس، ایران
۵. کارشناس ارشد مطالعات زنان (گرایش زن و خانواده)، پزشکی قانونی استان هرمزگان، بندرعباس، ایران

چکیده	اطلاعات مقاله
<p><b>زمینه و هدف:</b> با وجود پیشرفت‌های بسیار در شیوه زندگی و همچنین استانداردهای الگوهای زندگی، تقریباً در تمام کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، طلاق هنوز هم یک پدیده رقت‌بار در جامعه است. با توجه به جنبه‌های مختلف علل طلاق و تأثیرات سوء آن، شناخت دلایل اصلی طلاق از نظر زوجین، امری ضروری است. مطالعه حاضر با هدف بررسی این دلایل از نظر زنانی که به مراکز پزشکی قانونی استان هرمزگان مراجعه کرده‌اند، طراحی شده است.</p> <p><b>روش بررسی:</b> این مطالعه موردی-شاهدی روی ۱۴۴۲ نفر از زنان متقاضی طلاق انجام شده است که به مراکز پزشکی قانونی استان هرمزگان برای انجام تست بارداری، از فروردین ماه ۱۳۹۴ تا فروردین ۱۳۹۵ مراجعه کرده‌اند. برای تعیین علل اصلی طلاق، یک گروه کنترل شامل ۱۴۴۲ زن متأهل بدون سابقه طلاق نیز در نظر گرفته شد. تمام اطلاعات در مصاحبه رودررو جمع‌آوری و برای تجزیه و تحلیل آماری نهایی وارد پرسشنامه مطالعه شد.</p> <p><b>یافته‌ها:</b> علل اصلی در میان زنان متقاضی طلاق عبارت‌اند از: سن زنان (<math>P = 0/001</math>)، مدت‌زمان زندگی مشترک (<math>P &lt; 0/001</math>)، تعداد فرزندان (<math>P &lt; 0/001</math>)، شغل مرد (<math>P = 0/047</math>)، مراجعه به مشاور خانواده (<math>P &lt; 0/001</math>)، خشونت فیزیکی (<math>P &lt; 0/001</math>)، استعمال مواد مخدر و مصرف الکل همسر (<math>P &lt; 0/001</math>) و روش انتخاب همسر (<math>P &lt; 0/001</math>).</p> <p><b>نتیجه‌گیری:</b> جوانی و نداشتن بلوغ فکری، تمایل کم به بچه‌دار شدن، مشکلات مالی به دلیل بی‌کاری همسر، جلسات مشاوره خانواده ناکارآمد، خشونت در خانواده، اعتیاد به مواد مخدر و الکل و دخالت غیرموجه خانواده در انتخاب همسر، همگی از عللی هستند که زوجین را به سوی طلاق سوق می‌دهند.</p> <p><b>کلمات کلیدی:</b> طلاق، پزشکی قانونی، هرمزگان، زن</p>	<p>تاریخ وصول: ۹۶/۰۲/۱۹</p> <p>تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۶/۰۵</p> <p>انتشار آنلاین: ۹۶/۱۲/۱۲</p> <p><b>نویسنده مسئول:</b></p> <p><b>سعيد محمدي</b> متخصص پزشکی قانونی، کارشناس پزشکی قانونی استان هرمزگان، بندرعباس، ایران</p> <p><b>تلفن:</b> ۰۷۶-۳۳۳۱۳۰۰۹</p> <p><b>پست الکترونیک:</b> drsm1980@gmail.com</p>

## مقدمه

این دلایل از نظر زنان متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به مراکز پزشکی قانونی استان هرمزگان و مقایسه آن با زنان گروه کنترل طراحی شده است.

## مبانی نظری پژوهش:

با توجه به هدف کلی این تحقیق، یعنی شناخت علل و عوامل مؤثر بر بروز طلاق، نظریه‌های استفاده‌شده در این بررسی به شرح زیر است:

بسیاری از افراد از نظریه مبادله برای تحلیل انتخاب همسر و روابط درونی خانواده استفاده کرده‌اند. این نظریه بر آنچه در جریان مبادله داده و گرفته می‌شود، متمرکز است و همچنین اساس مبادله بر پاداش یا مجازات است؛ به عبارت دیگر اگر بین آنچه افراد در ازدواج می‌پردازند و به دست می‌آورند تعادل برقرار نباشد، زندگی مجردی انتخاب می‌شود.

یکی از اصلی‌ترین نظریاتی که جامعه‌شناسان در تجزیه و تحلیل مسائل خانوادگی به آن توجه داشته‌اند، نظریه کارکردگرایی ساختاری است. این نظریه توجه ما را به چگونگی شکل‌گیری رفتارهای فردی به وسیله ساختارها متمرکز می‌کند. اگرچه افراد امکان انتخاب برای عمل دارند، ولی انتخاب‌ها با ساختارها شکل داده می‌شوند. از طرف دیگر، نظریه کارکردگرایی ساختاری بر ساختارهای اجتماعی و نتایج آن‌ها در کل جامعه یا خرده سیستمی چون خانواده تأکید دارد. از نظر کارکردگرایان، کارکردهای خانواده، تنظیم رفتار جنسی، جایگزین کردن اعضای جامعه از نسلی به نسل دیگر، جامعه‌پذیر کردن افراد خانواده، مراقبت و نگهداری از فرزندان و دیگر اعضای خانواده، تعیین جایگاه اجتماعی و حمایت عاطفی از اعضا است. کارکردگرایی ضمن پذیرش پایداری نسبی برای شالوده نهاد خانواده، به نسبت دیگر رویکردهای جامعه‌شناختی، بیشترین امکان دگرگونی را برای این نهاد برحسب چگونگی ادای وظیفه (کارکرد) های واگذار شده قائل است.

براساس تئوری همسان همسری، بخش قابل‌توجهی از طلاق‌ها به خاطر پدیده ناهمسان همسری است؛ یعنی فرض بر این است اگر زوجین طرف مقابل خود را طوری انتخاب کنند که از لحاظ میزان هوش، ویژگی‌های جسمانی و فیزیکی و به‌ویژه ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی، از جمله فرهنگ، مذهب و میزان درآمد با هم تفاوت داشته باشند، طلاق بیشتر به وقوع می‌پیوندد (۲۹). بنابراین به درستی می‌توان گفت که هر قدر فاصله‌های اجتماعی، جغرافیایی، فرهنگی، شغلی و حتی زبانی و دینی زوجین بیشتر باشد، احتمالاً بیشتر در معرض تهدید طلاق قرار می‌گیرند.

براساس تئوری نابسامانی اجتماعی (آنومی) در شرایطی که جامعه دچار هرج و مرج اجتماعی می‌شود، بین ارزش‌های اجتماعی تضاد حاصل می‌شود و یا اینکه ارزش‌ها در حال دگرگونی هستند و نظم اجتماعی از بین می‌رود. اگر به‌زودی نظم اجتماعی شکل نگیرد و ارزش‌های نوین جایگزین نشوند،

با وجود پیشرفت‌های بسیار در شیوه زندگی و همچنین استانداردهای الگوهای زندگی، تقریباً در تمام کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، طلاق هنوز هم یک پدیده رقت‌بار در جامعه است (۱، ۲). از آنجا که آثار روانی طلاق بر زوجین و فرزندان قابل‌توجه است، مدیریت مناسب آن به وسیله دولت و سازمان‌های مربوط ضروری است (۳، ۴). عواقب اصلی طلاق، تأثیر سوء بر سلامت کلی جامعه و بروز اختلالات روانی، همچون افسردگی، اضطراب و مصرف مواد است (۵، ۶). کودکان قطعاً تحت‌تأثیر عواقب طلاق قرار می‌گیرند که این اثرات می‌تواند با مشکلات آموزشی و دانشگاهی، انزوای اجتماعی، افزایش خطر ابتلا به افسردگی و ضعف قوای ذهنی آشکار شود (۷، ۸).

براساس اطلاعات موجود، الگوی اجتماعی - جمعیتی طلاق به شکل کامل در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه متفاوت است. در کشورهای توسعه‌یافته، طلاق به شکل عمده بر توافق استوار است. طلاق بیشتر در زنان مسن و باتجربه دیده می‌شود و ریشه در اختلالات عاطفی و رفتاری دارد؛ در حالی که در کشورهای در حال توسعه، طلاق بیشتر در زنان جوان دیده می‌شود و به شکل عمده تحت‌تأثیر مشکلات اقتصادی و فرهنگی است (۹، ۱۰). همراه با تفاوت‌های اجتماعی و فرهنگی در الگوهای طلاق، جنسیت نیز شاخصی اصلی در این الگو است. با توجه به طول عمر بیشتر زنان نسبت به مردان و همچنین تمایل بیشتر به ازدواج با افراد مسن در زنان نسبت به مردان، زنان با احتمال بیشتری نسبت به مردان در معرض طلاق اند (۱۱، ۱۲). در مجموع، عوامل سه‌گانه اجتماعی، روانی و اقتصادی بر به وجود آمدن طلاق‌های بی‌شمار در جهان تأثیر می‌گذارد.

جنبه مهم دیگر طلاق، فشارهای جسمی و روانی جانبی وابسته به آن بر زوجین است. مشکلات اصلی روانی مربوط به طلاق، افسردگی، غم و اندوه پس از حادثه، تنهایی، تفکیک اجتماعی و حتی توهمات ذهنی است (۱۳، ۱۴).

همان‌طور که برخی از نویسندگان ذکر کرده‌اند، نسبت افرادی که پس از جدایی یا طلاق افسردگی مازور را تجربه می‌کنند، به نسبت یک از سه نفر افزایش یافته است (۱۵). مطالعات همچنین نشان داده‌اند که زنان مطلقه و جدا ممکن است اثرات سوء بیشتری را نسبت به زنان هرگز ازدواج‌نکرده، به‌ویژه در سنین بالا تجربه کنند (۱۶).

بر حسب اطلاعات آماری منتشرشده مرکز آمار، تعداد ازدواج‌های ثبت‌شده در استان هرمزگان از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۳ یک سیر نزولی معنی‌دار داشته و به این ترتیب بوده است: ۱۳۹۰ (۱۹۰۸۵ مورد)، ۱۳۹۱ (۱۳۹۱ مورد)، ۱۳۹۲ (۱۷۲۱۲ مورد)، ۱۳۹۳ (۱۵۲۳۷ مورد) و ۱۳۹۳ (۱۴۴۵۷ مورد). در حالی که این روند در خصوص تعداد طلاق‌های ثبت‌شده معکوس بوده است: ۱۳۹۰ (۱۹۷۴ مورد)، ۱۳۹۱ (۲۰۷۴ مورد)، ۱۳۹۲ (۲۲۰۳ مورد) و ۱۳۹۳ (۲۸۵۷ مورد) (۱۷). با توجه به این داده‌های آماری نگران‌کننده، بررسی عوامل منجر به طلاق در این استان ضروری به نظر می‌رسد. مطالعه حاضر با هدف بررسی

حاوی سؤالات بسته بود، بررسی شدند: تفاوت سنی زوجین، خشونت فیزیکی، سوءمصرف مواد، مصرف الکل، مراجعه به مشاور خانواده پیش از طلاق، مدت زمان زندگی زناشویی، تعداد فرزندان، تعداد اعضای خانواده درجه اول زوجین، سابقه طلاق در خانواده پدری زوجین، سن ازدواج، سابقه ازدواج مجدد یا ازدواج موقت، نابرابری زوجین، وضعیت شغلی زوجین، سطح تحصیلات زوجین پیش و پس از ازدواج، مذهب، اقامت در مناطق شهری یا روستایی، پرداخت نفقه، بیماری جسمی و روانی مزمن در زوجین، سابقه سقط، سابقه روابط جنسی نامشروع همسر، روش انتخاب همسر و وضعیت مسکن.

برای تعیین علل مرتبط و اصلی طلاق، یک گروه کنترل (۱۴۴۲ نفر) از زنان متأهل دارای زندگی خانوادگی متعادل که قصد طلاق نداشتند، به صورت تصادفی در سطح جامعه (استان هرمزگان) انتخاب شدند. تمام اطلاعات در مصاحبه رودررو جمع‌آوری شدند و سپس برای تجزیه و تحلیل آماری نهایی در پرسشنامه مطالعه وارد شدند. پس از گردآوری داده‌ها از نمونه مدنظر به وسیله پرسشنامه، داده‌ها کدگذاری شدند و پس از کدگذاری با استفاده از نرم‌افزار SPSS در دو سطح توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل شدند.

برای تجزیه و تحلیل آماری، نتایج به صورت میانگین  $\pm$  انحراف استاندارد (SD) برای متغیرهای کمی و با فرکانس مطلق و درصد برای متغیرهای قطعی ارائه شده است. نرمال بودن داده‌ها با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف تجزیه و تحلیل شد. متغیرهای قطعی نیز با استفاده از آزمون مجذور کای و یا آزمون دقیق فیشر مقایسه شده‌اند.

متغیرهای کمی با  $t$  test و یا آزمون Mann-Whitney U آنالیز و مقایسه شدند. برای تعیین علل نهایی طلاق، مدل رگرسیون لجستیک چندمتغیره (multivariate Logistic Regression Modeling) استفاده شد.

برای تجزیه و تحلیل آماری، نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۱۶ برای ویندوز (SPSS Inc., Chicago, IL) استفاده شد. مقدار P Value مساوی یا کمتر از ۰/۰۵، از نظر آماری معنی‌دار در نظر گرفته شد.

## یافته‌ها

در مجموع ۱۴۴۲ زن (۹۲۸ نفر ساکن مناطق شهری و ۵۱۴ نفر ساکن مناطق روستایی) به مطالعه وارد شدند. متوسط سن زنان  $28/44 \pm 7/85$  سال (محدوده ۱۴ تا ۶۵ سال) و میانگین سن ازدواج زنان  $4/86 \pm 20/42$  سال بود. میانگین زمانی بین ازدواج و طلاق (زندگی مشترک) نیز  $6/96 \pm 8/01$  سال بود. سطح تحصیلات زنان متقاضی طلاق و همسران آنها در نمودار شماره یک و دو بیان شده است.

۴۴/۶٪ از زوجین بدون فرزند، ۲۷/۶٪ یک فرزند، ۱۷/۱٪ دو فرزند، ۵/۸٪ سه فرزند و تنها ۴/۹٪ تعداد فرزندان بیشتری داشتند. میانگین تعداد اعضای خانواده درجه اول در زنان  $7/5 \pm 2/46$  نفر و در همسران ایشان،  $7/8 \pm 2/53$

مشکلات بزرگ و کوچک اجتماعی دامن‌گیر افراد و جامعه خواهند شد. طلاق نیز در چنین شرایطی به‌مثابه یک مسئله اجتماعی کلان بروز می‌کند (۲۹).

بر اساس نظریه توزیع قدرت، گاه بین زن و شوهر تضادی ایجاد می‌شود و هر یک برای احراز منزلت خود و رسیدن به اهداف خویش، با توسل به امکانات مالی، فرهنگی و ... قصد تسلط بر دیگری را دارد. تداوم این وضعیت، تنش و کشمکش بین زوجین را افزایش می‌دهد و در نهایت منجر به جدایی و طلاق آنها می‌شود.

بر اساس نظریه نیاز-انتظار، هر موقعیتی هنجارهایی دارد که صاحب آن موقعیت، باید بر اساس آن عمل کند و افرادی که با او در کنش متقابل هستند، از او انتظار دارند براساس هنجارهای آن موقعیت عمل کنند. انتظار، معیاری برای ارزیابی فردی است که دارای موقعیت معینی است. در واقع فرد باید در آن موقعیت وظایفی را انجام دهد تا مناسب موقعیتی باشد که خواهان آن است. تحقق نیافتن انتظارات، از نبود تعادل بین خواسته‌ها است. هرکدام از زن و شوهر، با تصورات خاصی درباره زندگی زناشویی اقدام به ازدواج می‌کنند و زندگی را با انتظارات مشخصی درباره اینکه همسرشان چگونه با او رفتار خواهد کرد، آغاز می‌کنند. اگر این انتظارات برآورده نشوند، نارضایتی و پشیمان خواهند شد. از کمپ معتقد است که احساس رضایت با نحوه انطباق کامل امیدها و انتظارات با پیشرفت‌های فرد تعیین می‌شود، درحالی‌که نارضایتی معلول ناکامی در رسیدن به انتظارات است.

با توجه به مباحث نظری مطرح‌شده، عوامل مؤثر بر پدیده طلاق دارای ابعادی روان‌شناختی و جامعه‌شناختی هستند؛ از این رو در مدل مفهومی زیر، به متغیرهای تحقیق پرداخته می‌شود. نتایج نشان می‌دهد که با توجه به مدل نظری تحقیق می‌توان گفت که تمامی عوامل و فاکتورهای تأثیرگذار روی پدیده طلاق با همدیگر در تعامل هستند و به صورت سیستمی عمل می‌کنند و توجه نکردن به هر یک از مسائل تربیتی، عاطفی و ... به نوبه خود باعث می‌شود که طلاق در جامعه افزایش یابد.

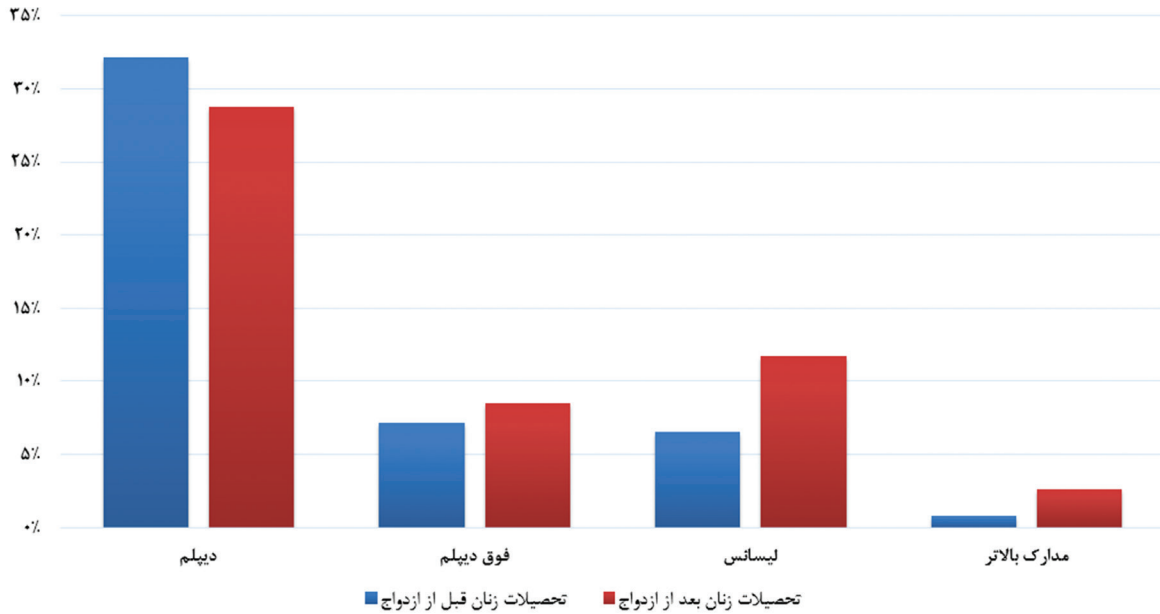
## مواد و روش‌ها

این مطالعه یک پژوهش کمی است و روش پژوهش استفاده‌شده، موردی - شاهدهی (Case-Control) است. جامعه آماری مطالعه، کل ۱۴۴۲ زن متقاضی طلاق است که از فروردین‌ماه ۱۳۹۴ تا فروردین‌ماه ۱۳۹۵ به مراکز پزشکی قانونی استان هرمزگان برای انجام تست بارداری مراجعه کرده‌اند (روش سرشماری). واحد آماری در این پژوهش، فرد است؛ یعنی هرکدام از افرادی که برای انجام تست بارداری به مراکز پزشکی قانونی مراجعه کرده‌اند، به‌عنوان یک واحد آماری در نظر گرفته شده‌اند. معیار اصلی ورود به مطالعه، رضایت به شرکت در مطالعه بود.

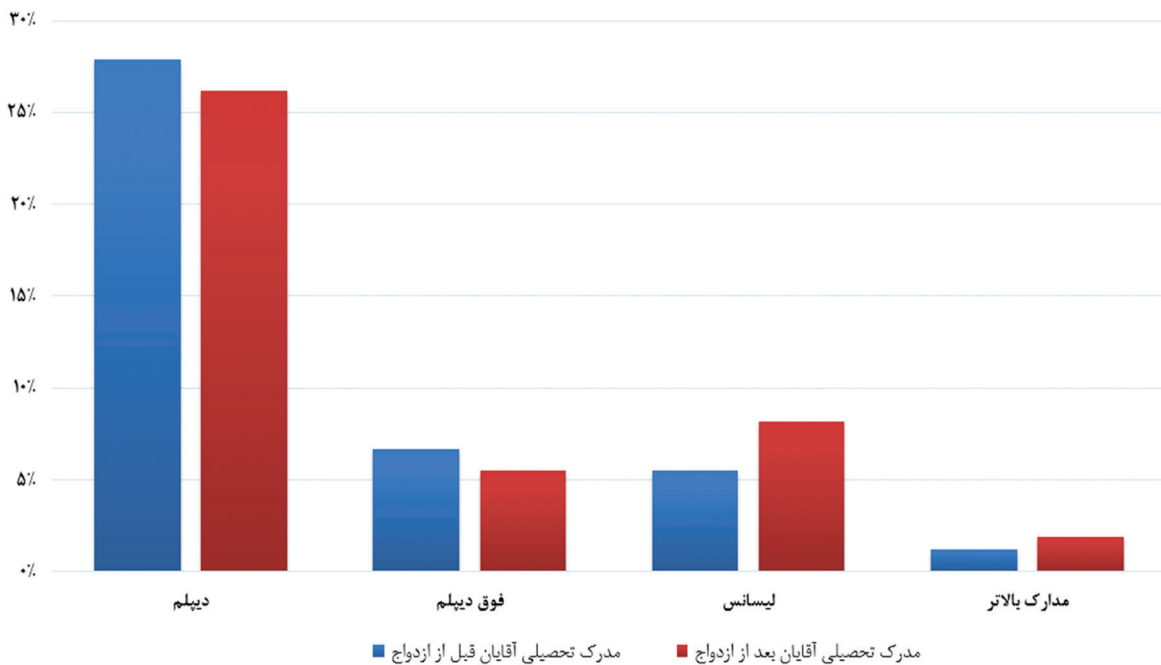
این عوامل، به‌عنوان علل اصلی طلاق در دیگر مطالعات مشابه انجام‌شده در ایران، به وسیله یک پرسشنامه که

۵۰/۱٪ سطح متوسط اقتصادی داشتند و ۳۲/۶٪ از نظر وضعیت اقتصادی ضعیف بودند. ۳۲/۷٪ زوجین صاحب‌خانه، ۳۲/۲٪ مستأجر و سایرین در خانه والدین زندگی می‌کردند.

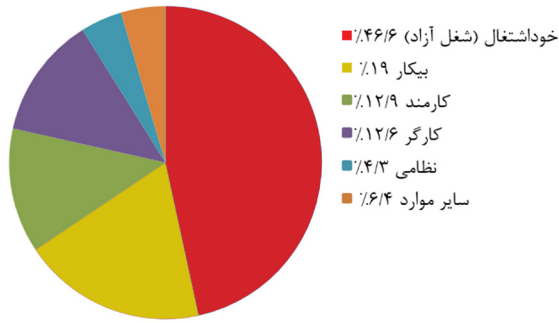
نفر بود. شغل زنان متقاضی طلاق و همسران آنها در نمودار شماره سه و چهار نشان داده شده است. ۱۷/۳٪ از زوجین وضعیت اقتصادی مناسبی داشتند،



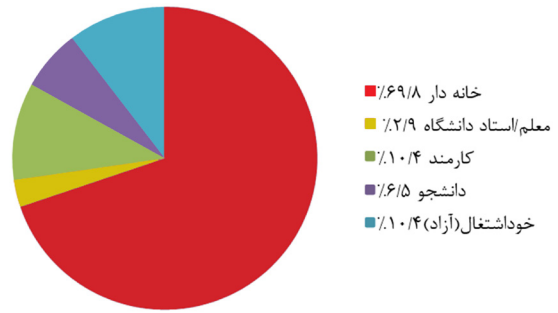
نمودار شماره ۱



نمودار شماره ۲



نمودار شماره ۴. (اشتغال آقایان)



نمودار شماره ۳. (اشتغال زنان)

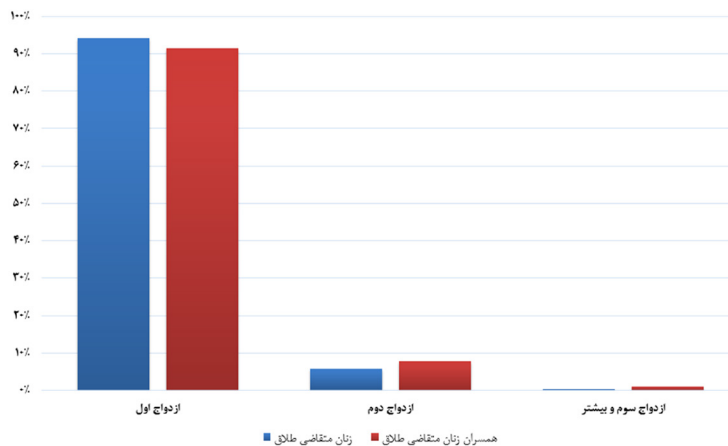
درصد از زنان، سابقه خودکشی در ۳٪ مردان و ۲/۹٪ زنان گزارش شده است. افزون بر این، ۲/۹٪ مردان و ۳/۳٪ از زنان مبتلا به معلولیت‌های جسمی مزمن بودند. نحوه انتخاب همسر در بین زنان متقاضی طلاق در نمودار شماره ۶ نشان داده شده است.

مقایسه آماری متغیرها در گروه زنان متقاضی طلاق با گروه کنترل (زنان متأهل بدون سابقه طلاق)، در جدول شماره یک نشان داده شده است. زنان مطلقه، میانگین سنی پایین‌تری در زمان ازدواج (۲۰/۴۲ سال در مقابل ۲۲/۲۶ سال) و همسران نیز میانگین سنی پایین‌تری در زمان ازدواج (۳۳/۰۷ سال در مقابل ۳۵/۸۳ سال) داشته‌اند.

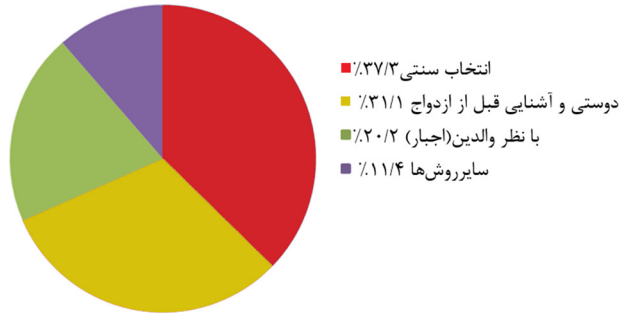
رضایتمندی جنسی به‌شکل چشمگیری در گروه کنترل بالاتر از گروه زنان متقاضی طلاق (۷۰/۱٪ در مقابل ۴۰/۰٪) بود. سوءمصرف مواد مخدر و الکل توسط همسران نیز به ترتیب ۴۰/۵٪ و ۹/۲٪ در گروه زنان متقاضی طلاق و ۱۳/۹٪ و ۳/۲٪ در گروه کنترل گزارش شد. هیچ تفاوتی در نرخ ناباروری و سقط‌جنین بین دو گروه مطالعه‌شده وجود نداشت.

سابقه طلاق در زنان و خانواده درجه اول ایشان، ۲۷٪ و در مردان ۲۵٪ بود. در مجموع، ۵۵/۸٪ زنان پیش از طلاق به مشاور خانواده مراجعه کرده بودند. در خصوص مذهب، ۸۶/۸٪ درصد از زنان و ۸۵/۸٪ مردان شیعه و ۱۳/۲٪ درصد از زنان و ۱۴/۲٪ مردان، سنی بودند. سابقه خشونت فیزیکی در ۵۵/۸٪ موارد گزارش شد که از این بین ۱۵/۷٪ به مراکز پزشکی قانونی مراجعه کرده بودند. سابقه روابط جنسی نامشروع همسر در ۲۱/۶٪ موارد گزارش شد، در حالی که ۴۰٪ درصد از زنان رضایت جنسی در زندگی زناشویی را اعلام کردند. مرتبه ازدواج زوجین در نمودار شماره ۵ نشان داده شده است.

استفاده از مواد مخدر به‌وسیله همسر در ۴۰/۵٪ موارد و با میانگین مصرف  $6/03 \pm 7/99$  سال (محدوده ۱ تا ۴۰ سال) گزارش داده شده است. مصرف الکل نیز در ۹/۲٪ موارد با میانگین مدت مصرف  $5/37 \pm 7/66$  سال (محدوده ۱ تا ۳۰ سال) گزارش شده است. سابقه ناباروری زوجین در ۳/۱٪ از مردان و ۱/۵٪ درصد از زنان گزارش شد. همچنین، ۱۷/۲٪ از زنان سابقه سقط‌جنین داشته‌اند. اختلالات روانی در ۱/۸٪ از مردان و ۲/۱٪ از زنان خودزنی در ۴/۹٪ از مردان و ۲/۴٪



نمودار شماره ۵. (مرتبه ازدواج)



نمودار شماره ۶. (انتخاب همسر)

جدول شماره ۱. مقایسه اطلاعات پایه بین زنان مطلقه و گروه کنترل

متغیرها	گروه کنترل ۱۴۴۲ نفر	گروه متقاضی طلاق ۱۴۴۲ نفر	P-value
محل سکونت شهری	۱۱۴۵ (۷۹/۴٪)	۹۲۸ (۶۴/۴٪)	<۰/۰۰۱
میانگین سن (مردان) (سال)	۳۵/۸۳ ± ۸/۷۷	۳۳/۰۷ ± ۱/۱۲	<۰/۰۰۱
میانگین سن (زنان) (سال)	۸/۳۵ ± ۳۲/۳۲	۷/۸۵ ± ۲۸/۴۴	<۰/۰۰۱
مدت زمان زندگی مشترک	۸/۰۲ ± ۹/۹۴	۶/۹۶ ± ۸/۰۱	<۰/۰۰۱
سطح تحصیلات پس از ازدواج (زنان)			<۰/۰۰۱
زیر دیپلم	۴۹۵ (۳/۳۴٪)	۶۷۳ (۴/۴۷٪)	
دیپلم	۳۶۶ (۲۵/۴٪)	۴۱۵ (۲۸/۸٪)	
فوق دیپلم	۱۳۴ (۹/۳٪)	۱۲۳ (۸/۵٪)	
لیسانس	۳۰۹ (۲۱/۴٪)	۱۶۸ (۱۱/۷٪)	
بالتر از لیسانس	۱۳۸ (۹/۶٪)	۵۳ (۳/۶٪)	
سطح تحصیلات پس از ازدواج (مردان)			<۰/۰۰۱
زیر دیپلم	۴۷۴ (۳۲/۹٪)	۷۸۵ (۵۴/۴٪)	
دیپلم	۴۵۲ (۳۱/۳٪)	۳۷۸ (۲۶/۲٪)	
فوق دیپلم	۱۳۱ (۹/۱٪)	۸۰ (۵/۵٪)	
لیسانس	۲۲۵ (۱۵/۶٪)	۱۱۸ (۸/۲٪)	
بالتر از لیسانس	۱۶۰ (۱۱/۱٪)	۸۱ (۵/۶٪)	
میانگین تعداد فرزندان	۱/۴۶ ± ۱/۷۰	۱/۲۳ ± ۰/۹۹	<۰/۰۰۱
بیکاری در مردان	۶۲ (۴/۳٪)	۲۷۴ (۱۹/۰٪)	<۰/۰۰۱
شرایط مسکن			۰/۰۰۴
مالک	۵۸۰ (۴۰/۲٪)	۴۷۱ (۳۲/۷٪)	
مستأجر	۵۹۳ (۴۱/۱٪)	۴۶۴ (۳۲/۲٪)	
مراجعه به مشاور خانواده	۳۸۵ (۲۶/۷٪)	۸۰۴ (۵۵/۸٪)	<۰/۰۰۱
سابقه خشونت فیزیکی	۴۱۲ (۲۸/۶٪)	۸۰۴ (۵۵/۸٪)	<۰/۰۰۱
مراجعه به پزشکی قانونی به دنبال خشونت فیزیکی	۱۱۰ (۷/۶٪)	۲۲۶ (۱۵/۷٪)	<۰/۰۰۱

بیکاری همسر، جلسات مشاوره خانواده ناکارآمد، خشونت فیزیکی، مصرف مواد مخدر و الکل توسط همسر و انتخاب همسر براساس مداخله خانواده‌ها.

با استفاده از مدل رگرسیون لجستیک چندمتغیره (جدول ۲)، عوامل مؤثر بر طلاق در میان زنان متقاضی طلاق در استان هرمزگان عبارت بودند از: سن ازدواج پایین زنان، مدت زمان زندگی مشترک کوتاه‌تر، تعداد فرزندان کمتر،

جدول شماره ۲. مدل رگرسیون لجستیک چندمتغیره برای تعیین علل اصلی مرتبط با طلاق

Variable	P-value	Odds Ratio	CI for %95 Odds Ratio	
			Lower	Upper
Residency	۰/۱۱۳	۰/۶۷۱	۰/۴۰۹	۱/۰۹۹
Woman age	۰/۰۰۱	۱/۰۹۱	۱/۰۳۶	۱/۱۴۸
Man age	۰/۸۴۱	۰/۹۹۶	۰/۹۵۴	۱/۰۳۹
Marriage duration	۰/۰۰۰	۰/۸۶۷	۰/۸۲۰	۰/۹۱۷
Woman's education before	۰/۸۶۵	۰/۹۶۶	۰/۶۴۸	۱/۴۴۱
Woman's education after	۰/۵۹۳	۱/۰۹۷	۰/۷۸۲	۱/۵۳۹
Man's education before	۰/۴۹۱	۱/۳۲۴	۰/۶۸۸	۲/۱۷۹
Man's education after	۰/۱۶۷	۱/۴۵۴	۰/۸۵۵	۲/۴۷۲
Number of children	۰/۰۰۰	۲/۲۵۲	۱/۷۸۹	۲/۸۳۶
Woman's job status	۰/۰۰۰	۰/۷۴۱	۰/۶۳۶	۰/۸۶۲
Man's job status	۰/۴۷	۱/۰۷۶	۱/۰۰۱	۱/۱۵۶
Housing status	۰/۱۶۶	۰/۸۴۵	۰/۶۶۶	۱/۰۷۳
Family counselor referring	۰/۰۰۰	۰/۶۳۱	۰/۵۶۰	۰/۷۱۱
Woman's religion	۰/۰۶۶	۲/۱۹۰	۰/۹۴۹	۵/۰۵۰
Man's religion	۰/۴۸۳	۰/۷۹۹	۰/۴۲۶	۱/۹۴۷
Physical violence	۰/۰۰۰	۰/۴۳۵	۰/۲۸۸	۰/۶۵۶
Referring legal medicine center	۰/۴۰۳	۱/۲۶۸	۰/۷۶۲	۲/۲۱۴
Sexual satisfaction	۰/۸۵۷	۱/۰۳۵	۰/۷۰۸	۱/۵۱۴
Substance addiction	۰/۰۰۰	۰/۴۰۱	۰/۲۶۶	۰/۶۰۳
Alcohol addiction	۰/۰۰۰	۰/۰۶۴	۰/۰۴۹	۰/۰۸۴
Man's Remarriage	۰/۴۴۸	۰/۸۲۳	۰/۴۹۷	۱/۳۶۱
Infertility	۰/۹۷۱	۰/۹۸۹	۰/۵۴۲	۱/۸۰۵
Abortion	۰/۸۳۶	۱/۰۵۰	۰/۶۵۸	۱/۶۷۶
Way of spouse selection	۰/۰۰۰	۱/۳۴۸	۱/۱۵۹	۱/۵۶۸

میزان و دلایل اصلی طلاق ناکافی باقی مانده است.

مطالعه حاضر برای بررسی عوامل اصلی مؤثر بر وقوع طلاق در زنان استان هرمزگان طراحی شد. در این مطالعه، یک گروه مورد، شامل زنان مراجعه کننده برای طی مراحل طلاق و یک گروه کنترل که زنان متأهل بدون سابقه جدایی بوده اند، در نظر گرفته شده است.

عامل اصلی قدرت بالای این مطالعه، تعداد زیاد زنان در هر دو گروه مطالعه بوده است. علاوه بر این، استفاده از مدل رگرسیون چندمتغیره، تعیین دقیق عوامل مؤثر بر وقوع طلاق در جمعیت زنان را امکان پذیر کرده است. در این راستا، مطالعه ما نشان داد که ترکیبی از عوامل فردی، اجتماعی،

## بحث و نتیجه گیری

شرایط فرهنگی، جغرافیایی، اجتماعی و حتی مذهبی محیط بر طلاق مؤثر هستند. همان طور که قبلا ذکر شد، با توجه به تفاوت های گسترده وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه و همچنین بین استان های مختلف ایران، عوامل متفاوتی ممکن است احتمال طلاق در خانواده ها را تحت تأثیر قرار دهد؛ از این رو، درک عوامل اصلی و دلایل طلاق در هر جمعیت برای رسیدن به بهترین رویکرد مدیریتی برای به حداقل رساندن نرخ طلاق در جامعه ضروری است. متأسفانه، با وجود درصد قابل توجه جدایی زوجین، دانش ما نسبت به



کمتر مورد حمایت همسر خود قرار می‌گیرند، بیشتر جروبحث دارند و انسجام خانوادگی کمتری دارند (ویدانوف، ۱۹۹۰). این یافته هم‌راستا با نتایج پژوهش Asghari و همکاران در استان آذربایجان شرقی (۲۱) و هم‌راستا با مبانی نظری پژوهش (تئوری همسان‌همسری، توزیع قدرت و نیاز-انتظار) است.

در این مطالعه مراجعه زنان گروه متقاضی طلاق به مشاور خانواده نسبت به زنان گروه کنترل بیشتر و از نظر آماری معنادار بود. در مطالعه هنریان (۱۳۹۰)، بیشتر متقاضیان طلاق پیش از مراجعه به دادگاه برای حل مشکل خویش به مشاور یا متخصص مراجعه کرده بودند و البته درصدی از آنان نیز که مراجعه به متخصص داشتند، تنها یک یا دو جلسه و به‌تنهایی برای مشاوره مراجعه کرده بودند و بیشتر نیز زنان مراجعه‌کننده بودند. این مسئله نشان‌دهنده این نکته است که فرهنگ استفاده از مشاوره برای حل مشکل در جامعه وجود ندارد و زوجین به‌محض بروز مشکل در زندگی زناشویی خود در جنگ قدرت می‌افتند و متوسل به اقدامات قانونی می‌شوند. این یافته‌ها همسو با پژوهش‌های ولکات و برنز (۱۹۶۸) نیز است (۲۲). به نظر می‌رسد بیشتر مراجعات به مشاورین خانواده ناشی از اجبار دادگاه خانواده است و به علت مراجعات اغلب یک‌نفره به مشاور و همچنین کم‌تجربگی مشاورین، نتایج حاصل از این جلسات چندان سودمند نخواهد بود.

یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که خشونت در ابعاد گوناگون آن، از مهم‌ترین علل افزایش طلاق در سطح جامعه و از جمله استان هرمزگان است. در این مطالعه خشونت شوهر با میزان گرایش زنان به طلاق رابطه معنادار و مستقیمی داشته است. این یافته در مطالعات دیگر نیز گزارش شده است (۲۲-۲۵). این یافته با توجه به نظریه‌های مبادله، توزیع قدرت و نیاز-انتظار قابل تبیین است.

یکی از علل طلاق، اعتیاد به مواد مخدر و الکل در همسر مراجعان بود که این علت با نتایج دیگر مطالعات (۱۸، ۲۶-۲۸) هم‌راستا بود. وجود اعتیاد یا استفاده از مشروبات الکلی در بین مردان احساس زیان را برای همسران آن‌ها به وجود می‌آورد ولی با توجه به فرهنگ‌های گوناگون، سودوزیان این مسئله ارزش نسبی در بین خانواده‌ها دارد. اعتیاد به مواد مخدر گرمی و محبت محیط خانوادگی را زایل می‌کند، به‌گونه‌ای که همکاری و همزیستی عادی نیز در این چنین وادی مرگباری از بین می‌رود. همچنین یک فرد الکلی به دلیل ابتلا به جنون معروف مشروبات الکلی نمی‌تواند پذیرای مسئولیت بزرگ خود در نهاد خانواده باشد و از واقعیت زندگی همواره گریزان است. این یافته با توجه به تئوری نابسامانی اجتماعی (آنومی) و نظریه نیاز-انتظار قابل تبیین است.

در مطالعه حاضر نحوه انتخاب سنتی همسر (دخالت والدین و نداشتن شناخت کافی) ارتباط مستقیم و معنی‌داری با بروز طلاق نشان داده است. فشارهای درونی خانواده اصلی، مانند دخالت بیش از حد والدین یا تحکم در انتخاب همسر ممکن است بر ازدواج اثر منفی بگذارد (لارسون و هلمن، ۱۹۹۴) و به یک ازدواج تحمیلی برای فرد تبدیل شود که

خانوادگی و اقتصادی (مطابق با مبانی نظری مطرح‌شده در پژوهش) می‌تواند احتمال طلاق در زنان را افزایش دهند.

در این پژوهش، بین سن ازدواج و مدت‌زمان زندگی مشترک زنان متقاضی طلاق، با احتمال طلاق، ارتباط معنی‌دار و معکوس به دست آمد. بیشترین آمار متقاضیان طلاق در هر دو جنس مربوط به مزدوجان سنین پایین است؛ سن کم معادل تجربه، آموزش و رشد شناختی، اجتماعی و اقتصادی کمتر و در نتیجه آمادگی نداشتن کامل برای شروع زندگی جدید است. سن ازدواج قوی‌ترین شاخص طلاق در پنج سال اول زندگی زناشویی است و ازدواج در سنین پائین از جمله ویژگی‌های دموگرافیک است که می‌تواند به ناسازگاری زناشویی یا طلاق منجر شود. یافته‌های مذکور منطبق با یافته‌های پژوهش ولکات (۱۹۹۹) است که در آن همبستگی مثبت میان ازدواج در سنین پایین و افزایش احتمال طلاق نشان داده شده است (۱۸). رابطه بین سن کم هنگام ازدواج و بی‌ثباتی زناشویی در مقالات پژوهشی مکرر اثبات شده است. براساس مبانی نظری پژوهش، می‌توان چنین گفت که فرد بر اساس برآوردی که از سود و زیان ادامه زندگی مشترک خویش دارد، حاضر به ادامه زندگی زناشویی و یا جدایی شده است. زوجین دارای سابقه ۵-۱ سال ازدواج، بیش از زوجین با سابقه ۱۵-۱۱ سال ازدواج مشکلات فرا فردی مانند دخالت خانواده اصلی، مشکلات اقتصادی، مسکن و تفاوت‌های فرهنگی را تجربه می‌کنند (کوردک، ۱۳۹۳). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که بیشتر طلاق‌ها طی پنج سال اول زندگی اتفاق می‌افتد. در واقع سال‌های اولیه ازدواج سال‌هایی بحرانی هستند که در آن بیشتر تعارضاتی که پایه ازدواج را می‌لرزاند، اتفاق می‌افتد. البته برخی تعارضات با گذشت زمان رخ می‌دهند؛ از جمله اینکه ارزش‌ها و آرزوهای زوجین به‌مرور زمان دگرگون می‌شود و همسر دیگر پاسخگوی آن نیازها نمی‌تواند باشد (کاسلو و رایبسون، ۱۹۹۶). با توجه به این مطلب، به نظر می‌رسد تلاش همسران برای حمایت، تقویت و رشد ارتباط باید بر سال‌های اولیه ازدواج متمرکز شود.

وجود فرزند در محیط خانواده، به‌ویژه فرزند خردسال سبب گرمی و نشاط می‌شود و مانند پیوند دوباره بین زن و مرد خواهد بود (۱۹). پژوهش مه‌پویان (۱۳۵۴)، فقدان فرزند را از عوامل مؤثر بر طلاق می‌داند. در خانواده‌های بدون فرزند، زوجین در خلأ فشار ناشی از بزرگ کردن فرزند از تمایل بیشتری برای حرکت به سمت انحلال زندگی زناشویی برخوردار می‌شوند و در این شرایط است که معمولاً زمینه بیشتری برای دخالت اطرافیان فراهم می‌شود (۲۰). این نتایج با مطالعه حاضر هم‌راستا است و نشان‌دهنده آن است که زنان، بیشتر به فرزند علاقه‌مند هستند و مادر نمی‌تواند به راحتی دست به طلاق بزند. نتیجه به‌دست‌آمده از این مطالعه با مبانی نظریه کارکردگرایی ساختاری هم‌راستا است.

بین بی‌ثباتی شغل، به‌ویژه بیکاری و رضایت زناشویی، رابطه‌ای قوی وجود دارد. افراد بیکار میزان کمتری از تفاهم، انضباط و نظم در روابط خانوادگی و به‌طور کلی روابط تنش‌زاتری با همسر خود دارند. علاوه بر این، شوهران بیکار در مقایسه با خانواده‌های کنترل،

- نتایج این پژوهش و پژوهش‌های مشابه که هرکدام علل مختلفی را برای افزایش طلاق مطرح کرده‌اند، به نحوی به اطلاع عموم مردم برسد و به‌وسیله رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی ابعاد مختلف این علل بررسی شود و بر مبنای تحلیل‌های علمی، با رویکرد جامعه‌شناختی اطلاع‌رسانی شود.

- کارگاه‌های آموزش مدیریت حل بحران برای خانواده‌ها و جوانان پیش از ازدواج و زوج‌هایی که دچار اختلاف هستند، برگزار شود.

- با توجه به اینکه استان هرمزگان در مسیر ترانزیت مواد مخدر و مشروبات الکلی قرار دارد، آسیب‌شناسی و پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر و مشروبات الکلی باید در رأس امور سازمان‌های مربوطه، به‌خصوص بهداشت و درمان، به‌زیستی و متولیان امور فرهنگی و اجتماعی استان قرار گیرد.

- با توجه به اینکه در بیشتر مطالعات داخلی و خارجی یکی از علل تأثیرگذار بر طلاق نارضایتی جنسی زوجین گزارش شده است، لازم است در استان هرمزگان مطالعه‌ای با تمرکز بیشتر بر این موضوع طراحی و اجرا شود. نتیجه پژوهش پیش رو در این زمینه به‌دلیل کلی‌نگری از نظر آماری قابل‌اتکا نیست.

### سپاسگزاری

نویسندگان از تمام کسانی که آن‌ها را در انجام این پژوهش یاری کرده‌اند، کمال تشکر و قدردانی را دارند.

### تعارض در منافع

بین نویسندگان هیچ‌گونه تعارضی در منافع وجود ندارد.

استرس مضاعفی در رابطه با پذیرش نقش جدید در فرد به وجود می‌آورد. به‌شکل کلی دخالت یا اعمال نفوذ خانواده‌های اصلی می‌تواند یکی از زیربناهای تعارضات از شروع تا پایان هر ازدواجی باشد (ثناپی، ۱۳۷۹). این یافته در دیگر مطالعات نیز تأیید شده (۲۴، ۲۹) و با توجه به تئوری همسان‌همسری و نظریه نیاز - انتظار قابل تبیین است.

در مطالعه استان هرمزگان، برخلاف بیشتر مطالعات دیگر، عواملی چون محل تولد و سکونت زوجین، میزان تحصیلات زوجین پیش و پس از ازدواج، تعداد نفقات خانواده پدری زوجین، وضعیت مسکن، سابقه طلاق در خانواده درجه اول زوجین، مذهب، میزان رضایت جنسی، ازدواج مجدد، ناباروری زوجین، سابقه سقط، بیماری‌های جسمی و روانی و پرداختن یا نپرداختن نفقه، از نظر آماری تأثیر معناداری بر بروز طلاق ندارند.

### پیشنهادها و راهکارها

با توجه به مراحل مختلف این پژوهش و نتایج به‌دست‌آمده، می‌توان پیشنهادها و راهکارهای زیر را بیان کرد:

- با توجه به توسعه شهرنشینی و تغییر ساختارهای اجتماعی و کاهش نهادهای سنتی متولی امور خانواده و ازدواج، لازم است ازدواج‌ها با شناخت بیشتر صورت پذیرد و گفتگوها و جلسات آشنایی و دیگر روش‌های شناخت پیش از ازدواج بیشتر باشد تا آشنایی فکری و نگرشی طرفین بیشتر روشن شود.

- اساسی‌ترین و ضروری‌ترین اقدام برای کاهش احتمال وقوع طلاق به‌وسیله ارتقای آگاهی فردی، آگاه کردن زنان و مردان ازدواج‌نکرده و در شرف ازدواج، زنان و مردان متأهل (پیرامون عوامل طلاق و تصحیح یا تحکیم کنش متقابل آن‌ها) و زوجین در آستانه طلاق (مشاوره با این افراد و یادآوری اثرات مفید و مضر طلاق) است.

## References

1. Sbarra DA. Divorce and health: current trends and future directions. *Psychosom Med.* 2015 Apr; 77(3):227-36. <https://doi.org/10.1097/PSY.000000000000168> PMID:25829240 PMCID:PMC4397145
2. Sbarra DA, Hasselmo K, Bourassa KJ. Divorce and Health: Beyond Individual Differences. *Curr Dir Psychol Sci.* 2015 Apr 1; 24(2):109-113. <https://doi.org/10.1177/0963721414559125> PMID:25892857 PMCID:PMC4399802
3. Kelly JB. Marital conflict, divorce, and children's adjustment. *Child Adolesc Psychiatr Clin N Am.* 1998 Apr; 7(2):259-71, v-vi. PMID:9894063
4. Nunes-Costa RA, Lamela DJ, Figueiredo BF. Psychosocial adjustment and physical health in children of divorce. *J Pediatr (Rio J).* 2009 Sep-Oct; 85(5):385-96. <https://doi.org/10.2223/JPED.1925> PMID:19830350
5. Hemovich V1, Crano WD. Family structure and adolescent drug use: an exploration of single-parent families. *Subst Use Misuse.* 2009; 44(14):2099-113. <https://doi.org/10.3109/10826080902858375> PMID:20001697 PMCID:PMC3075408
6. Hiyoshi A, Fall K, Netuveli G, Montgomery S. Remarriage after divorce and depression risk.

- Soc Sci Med. 2015 Sep; 141:109-14. <https://doi.org/10.1016/j.soescimed.2015.07.029> PMID:26262573
7. Cohen GJ, Weitzman CC. Helping Children and Families Deal With Divorce and Separation. *Pediatrics*. 2016; 138(6). <https://doi.org/10.1542/peds.2016-3020>
  8. Leopold T, Kalmijn M. Is Divorce More Painful When Couples Have Children? Evidence from Long-Term Panel Data on Multiple Domains of Well-being. *Demography*. 2016 Dec;53(6):1717-42. <https://doi.org/10.1007/s13524-016-0518-2> PMID:27815739 PMCid:PMC5127958
  9. Stevenson B, Wolfers J. Marriage and divorce: Changes and their driving forces. *J Econ Perspect*. 2007;21(2):27-52. <https://doi.org/10.1257/jep.21.2.27>
  10. Burgess S, Propper C, Aassve A. The role of income in marriage and divorce transitions among young Americans. *Journal of Population Economics*. 2003;16(3):455-75. <https://doi.org/10.1007/s00148-003-0124-7>
  11. Light A. Gender differences in the marriage and cohabitation income premium. *Demography*. 2004;41(2):263-84. <https://doi.org/10.1353/dem.2004.0016> PMID:15209040
  12. Zandiyeh Z1, Yousefi H2. Woman's experiences of applying for a divorce. *Iran J Nurs Midwifery Res*. 2014; 19(2):168-72. PMID:24834086 PMCid:PMC4020026
  13. Trivedi JK, Sareen H, Dhyani M. Psychological aspects of widowhood and divorce. *Mens Sana Monogr*. 2009;7(1):37-49. <https://doi.org/10.4103/0973-1229.40648> PMID:21836778 PMCid:PMC3151454
  14. Richards M1, Hardy R, Wadsworth M. The effects of divorce and separation on mental health in a national UK birth cohort. *Psychol Med*. 1997;27(5):1121-8. <https://doi.org/10.1017/S003329179700559X>
  15. Bulloch AG1, Williams JV, Lavorato DH, Paten SB. The relationship between major depression and marital disruption is bidirectional. *Depress Anxiety*. 2009;26(12):1172-7. <https://doi.org/10.1002/da.20618> PMID:19798680
  16. Sorrell JM. Widows and widowers in today's society. *J Psychosoc Nurs Ment Health Serv*. 2012;50(9):14-8. <https://doi.org/10.3928/02793695-20120807-04>
  17. Hormozgan Province Statistical Yearbook. Management and Planning Organization. Winter 1394. 88-90.
  18. Amato PR, Previti D. People's reasons for divorcing: Gender, social class, the life course, and adjustment. *Journal of Family Issues*. 2003;24(5):602-26. <https://doi.org/10.1177/0192513X03024005002>
  19. Ghiasi P, Moin L, Roosta L. Study of social causes of divorce tendency among women referring to Shiraz family court. *Women and Society Quarterly*. First Year, 2010;77.
  20. Fatehi A, Ekhlesi E. Secondary Analysis of Causes of Divorce in Isfahan Province in 2005. *Quarterly journal of social development (human development)*.2013;8(1):114-91.
  21. Fooladi A. Study of the causes of divorce in East Azerbaijan-Tabriz Province. *Cultural Community Studies, Humanities Research Institute and Cultural Studies*. Sixth Year, Second Edition, 2015;89-113.
  22. Honarian M, Younesi S.J. Study of the Causes of Divorce in Tehran's Family Courts. *Quarterly Journal of Clinical Psychology*, 2013;1(3).
  23. Sedaghat K, Asadian A. Sociological Explanation of Social Factors Affecting Divorce (Case Study: Ghaemshahr County). *Applied Sociology*. 2014;25(2):97-116.
  24. Zargar F, Neshat-Doost H.T. Divorce Incidence Factors in Falavarjan Township. *Journal of Family Research*. 2008;3(3):737-49.
  25. Abedi-Nia N, Bolhari J, Naghi-Zadeh MM. Comparison of the factors leading to the demand for divorce in terms of gender. *Psychological studies*. Faculty of Education and Psychology, Alzahra University. 2015;11(1).
  26. Hughes ME, Waite LJ. Marital biography and health at mid-life. *Journal of Health and Social Behavior*.2009;50(3):344-58. <https://doi.org/10.1177/002214650905000307> PMID:19711810 PMCid:PMC3148098
  27. Saadati N, Dibae A. Frequency Determination of the Causes of Divorce in the Referendums to Ahwaz Family Court in 1383-1384. *Journal of Knowledge and Health*. 2010;5(6):199. [Persian]
  28. Mokhtari M, Mir Fardi A, Mahmoodi E. The study of social factors affecting divorce rate in Yasuj city. *Applied Sociology*, 2014;25(1):141-57.
  29. Ghasemi A, Saroukhani B. Factors related to divorce in couples applying for divorce (Kermanshah County). *Social Studies in Iran*, 2013:87-69 PMID:23198771